فانم ۵

بازبین شد
۱۳۷۱ش

آستان قدس

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: نظم الدرر

مؤلف متن: محمدعلی بن محمدحسن کاشانی (اراکی) محشی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر: ۱۲۷۲ هـ ق نوع خط: نسخ تعداد سطر: مختلف

موضوع: ادبیات زبان: عربی عدد اوراق: ۶۰ برگ

طول: مختلف عرض .... شمارهٔ عمومی **۲۷۴۲۶**

وقفی / خریداری: آستان قدس رضوی شهریور ۱۳۸۰

تاریخ وقف .... نام کاتب: ناظم حیدر

ملاحظات: مشتمل بر اشعار، لطائف، حکایات، و و و

ضمیمه نسخه: موعظه ۶ برگ، اثر مؤلف
" ذیل نسخه ۲۰ برگ " " و مطالب متفرقه

سوف تنادرون وانتم الجحيم
الا كان انتم لكم يابس المقر
وتصبحون توتكم ماء الحميم
وبرياة المطعون بعضهم
ثم تقلون غذاء الهاديم
وكلم تدعا رتطها تشق
بعد ان الله حرم عما
كانكم اعجاز نخل منقعر
كلا ان الله بحوه نحله …
من كبير وصغير منتظر

ويلكم يا ويلكم يا ويلكم
يوم انتم تبعثون من قبر
ثم ماذا تصنعون في المعاد
حين اتاكم للحساب المقر
فبماذا عذركم يوم التناد
حين انتم تنقلون من شرر
وان عتيم ان هكتم بالملا
لكم الويل ان الحق ظهر

يوم لا يؤخذ منكم فدية
وتنادرون الى اين المفر
انتم مع كل نزو والاثم
في العذاب جزاء بنيتم
ان نقضتم قول العزيز …
ولكم في صنوف …
كلما جاء باي تعرضوا
وتقولوا هو سحر مستمر

١٩٦

باری از نمازها با خدمت جناب سید در حضرت شاه عبد العظیم ملاقات
نمودم و از احوال جناب سید پرسیدم جواب گفت بعد از گریه بسیار
که آقا محمد مهدی امشب مرحوم شدند و من نوشته چند از ایشان بخط
بجهت آقا ... و جناب آقا جعفر و محمد باقر خان حاکم طهران آوردم
که ایشان را اعلام کنم و حال بردم بعد یک رقعه را رسانیده
مراجعت کنم و ما همه بودیم تا آنکه به مسجد مرحوم رفتیم آقا به نماز گفته
شدند بعد وقت فضیلت گذشته بود که در نماز اقتدا
بجناب آقا جعفر استرابادی مرحوم و فاضل ایشان بعد نماز را
بسیار طول میداد خصوصا قنوت را چنین قنوت رسید و از
اول نماز تا آخر مشغول گریه بود چنین قنوت رسید دست
ایشان را میخواند اللهم ان کثرة الذنوب تکف ایدینا عن
انبساطها الیک با طول تمام و بسیار گریه میکرد تا آنکه نزدیک
بود که آفتاب طالع شود و بعد از فراغ از نماز بعضی از علما
دیروز عرض کردند که شما را چه شده است که اینقدر امروز در نماز
گریه میکردید و با وجود آنکه تسبیح فاطمه را نمیخواندید جواب سخن
ایشان هیچکس نمیگفت پشت بمحراب داده روی بمردم کرده شروع بگریه
نمود و فرمود که من امشب جناب پیغمبر را در خواب دیدم که

197

که در جائی ایستاده بود و بصدای بلند گریه میکرد و مردم گریه میکردند
من نزدیک او رفتم و عرض کردم فدایت شوم چرا اینقدر گریه چه واقع
شده است فرمودند حسن الله خواهشید در سلاح شکست عظیمی
واقع شده در این اثنا بسیار مردم گریه کردند در این ملازم خدمت
سید مرقوم وارد مسجد شد با حالت پریشان و غمگین و قبل از
اظهار خبر فوت سید مرقوم و دخول در مسجد دست خود را بجانب
یقه پیراهن خود برده پیراهن خود را چاک کرده با گریه
صدا بلند نمود جناب آقا فوت شده است

بسم الله الرحمن الرحیم لقد تولد محمد الاول المکنی بابی جعفر الملقب
بنظام الدین فی الساعة الثالثة من لیلة الاثنین السابع عشر
من شهر شوال المکرم سنة ۱۳۱۸ الف وثلثمائة وثمانیة عشر من
الهجرة النبویة علی هاجرها آلاف التحیة جلال الدین نظام الدین ابنک
۱۳۱۸

بسم الله الرحمن الرحیم لقد تولد محمد الثانی المکنی بابی علی الملقب
بقوام الدین فی الساعة الثانیة من شهر لیلة السادسة عشر من
شهر جمادی الاولی سنة ۱۳۲۱ الحادی والعشرین بعد ثلثمائة والف من الهجرة
النبویة علی هاجرها آلاف التحیة

[illegible]